

فصل نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال دوم، شماره ۷، پاییز ۱۳۹۵

پرستش میترا در ایران پیش از ساسانیان

بهرام روشن ضمیر^۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۴

چکیده:

دین مهر، آیین رازآمیز میترا، آفرقه میترا یا میترایسم از اواخر سده نوزدهم میلادی جای مهمی را در پژوهشهای باستانشناسی و تاریخ دین به خود اختصاص داده است. از آنجا که میترا به عنوان خدای مورد ستایش پیروان این فرقه رومی به نظر اکثریت قریب به اتفاق پژوهشگران، یک خدای هندو-ایرانی است،^۲ از آغاز این اندیشه به اذهان آمده و هنوز هوادار دارد که نه فقط خدا یا قهرمان آن فرقه، که کل این کیش شاید پیش از انتشار در روم، در کشور همسایه شرقی، یعنی شاهنشاهی ایران که مردمانش از سده‌ها پیش ایزدی با نام «میترا» را بسیار خوب می‌شناختند، وجود داشته است. مشکل اینجاست که هرچه قدر در قلمرو امپراتوری با نبود متن در مورد خود میترا روبرو هستیم، در قلمرو ایران، با کمبود مدارک و شواهد هنری و مادی مواجه می‌شویم. برای شناخت میترا در ایران جدا از شناخت این ایزد در الاهیات مردمان آریایی، باید تحولات دینی ایرانیان با تمرکز بر ستایش میترا را از نظر گذراند. آنگاه می‌توان به تطبیق آن با فرقه میترا در روم پرداخت.

واژگان کلیدی: میترا، مهرپرستی، پرستش مهر، هخامنشیان، اشکانیان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه تهران Roshan.Zamir@ut.ac.ir

2. Mysteries of Mithra

3. Cult

۲. شاید تنها مخالف، دیوید اولانسی باشد که احتمال داده عنوان این فرقه از میترا داتس (مهرداد) اوپاتر ششم، پادشاه پونت، گرفته شده است. بنگرید به اولانسی، پژوهشی نو در میتراپرستی.

۱- پیشگفتار:

پژوهش‌های مهرشناسانه از نیمه سده ۱۸ به صورت جدی با اثر فردریش وین‌دیشمان^۱ آغاز شد. از آغاز سده بیستم با پیشرفت باستانشناسی در اروپا و یافت شدن مدارک مادی و هنری از میتراپیسم در اروپا و سپس آسیای غربی (قلمرو امپراتوری روم) این پژوهش‌ها با نام فراتس کمون گره خورد. او و شاگردانش بودند که نخستین بار تلاش کردند میتراپیسم را یک مسلک یا مذهب مستقل در امپراتوری روم پیش از مسیحی شدن بنمایند. از آن زمان به‌ویژه پس از کنگره‌های بین‌المللی مهرشناسی در منچستر (۱۹۷۲) و تهران (۱۹۷۵) مخالفت‌های فراوانی تقریباً در همه زمینه‌ها با پیشنهادات و نظرات کمون صورت گرفته است،^۲ با این حال به نظر راجر بک، هنوز هم برای فهم جریان اصلی باید به خود کمون بازگشت.^۳ در این میان پژوهشگرانی چون گنو ویدنگرن،^۴ پروانه پورشریعتی^۵ و ریچارد فولتز^۶ روایتی دراماتیک از تداوم میرنگ و همیشه تاثیرگذار دین مهر ساخته‌اند که بر اساس آن، پیش از زردشت، دین مهم آریایی‌ها همین دین مهر بود که زردشت در رویارویی آن کاملاً موفق نبود. بدین ترتیب گروهی بر دین خود ماندند و زردشتیان هم پس از چندی ایزدان کهن به ویژه مهر را پذیرفتند. در ادامه، دین مهر که دین اصلی اشکانیان و مردم پارت و اکثریت مردم ایران (به‌ویژه شرق ایران) بود، به امپراتوری روم نفوذ کرد و با تغییراتی به دیانت رسمی امپراتوری تبدیل شد تا امروز آثار آن را از دورا-اورپوس سوریه تا بریتانیا ببایم. این دین جدی‌ترین رقیب مسیحیت بود ولی نهایتاً در لایه سیاسی جدال را واگذار کرده و هم‌پا با ساسانیان زردشتی در ایران، رومی‌های مسیحی در قلمرو امپراتوری به نابودی یا قلب باورها و آثار مهری همت گماشتند، با این حال استخوان‌بندی و بسیاری از عناصر مهری در خود مسیحیت ریشه‌دوانده و تا امروز جاودانه شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1. Friedrich Windischmann

۲. ویکاندر شاید نخستین منتقد جدی کمون بود. برای سیر مطالعات مهرشناسی از زمان کمون تا دهه ۱۹۸۰ بنگرید به Beck, 1984.

3. Beck, "The mysteries of mithras: A new account of their genesis", p. 115.

۴. ویدنگرن، دین‌های ایران باستان.

۵. پورشریعتی، «مهرپرستی و ساختارهای اجتماعی و آرمایی عیاری در حماسه سمک عیار».

6. Foltz, Religions of Iran from prehistory to the present.

در این پژوهش برای نزدیک شدن به مهرپرستی ایرانی، مجبوریم ادعاهای بسیار تکرار شده بالا را راستی آزمایی کنیم.

۲- میترا در ایزدکده ایرانی:

ایزد مهر، در وداها (متون سنسکریت هندی) میترا^۲ با ریشه *mi* و پسوند *tra* به معنای پیمان است.^۳ به عنوان یک ایزد، میترا تقریباً همواره در کنار ورونا^۴ به شکل ترکیبی میترا-ورونا آمده است. در متون ودایی میترا ایزدی درجه دوم و با اهمیتی متوسط است.^۵ و حضور نام او مقدم بر ورونا نه دلیل بر اهمیت بیشتر که به دلیل سنت زبان سنسکریت در اولویت دادن به واژه کوتاه‌تر در ترکیبات است.^۶ نام این ایزد را در کنار سه ایزد دیگر، وارونا، ایندرا و ... در پیمانی میان فرمانروایان دو دولت هیتی و میتانی در آسیای صغیر (بغازکوی) از سده چهاردهم پ.م می‌بینیم.

در کهن‌ترین اثر ایرانی‌زبان، گاهان زردشت، از میثره به عنوان ایزد یاد نشده و تنها یکبار به معنای پیمان به کار رفته است.^۷ و در اوستای متاخر میثره^۸ هم به عنوان اسم خاص برای ایزدی بزرگ و مهم و هم به مفهوم پیمان آمده است.

شواهد چندانی از میترا به عنوان یک ایزد بومی یا یک مفهوم در زبان‌های اروپایی باستانی نداریم. ظاهراً میترا ایزدی متعلق به شاخه هندوایرانی است که بعد از جدایی این دو قوم، در میان ایرانی‌زبانان جایگاه بالاتر و مهمتری یافته، تا جایی که در مهریشت از اوستا، اهورامزدا که آفریننده یکتا در دین زردشتی است، می‌گوید مهر را برابر با خود آفریدم. و تاکید می‌شود که نیایش و قربانی برای او ارزش نیایش و قربانی برای اورمزد را دارد.^۹ اما پرستش اینجاست که آیا می‌توان مانند نمونه متاخر فرقه میترا در روم، به

۱. بنابر پژوهشی که در بنیاد ایرانشناسی انجام شده، ۷۰ کتاب و ۳۰۰ مقاله به زبان فارسی در پیوند با مهر یا میترا تألیف و ترجمه شده که حجم بالایی از آنها غیرآکادمیک، غیرعلمی و بیشتر در مسیر شبه‌علم بوده‌اند. این درحالی است که تاکنون به ندرت پژوهشگران ایرانی کمک چندان به پژوهش‌های جهانی مهرشناسی کرده‌اند. بنگرید به میرحیدری، کتابشناسی مطالعات مهرپرستی (میترائی).

2. Mitra

۳. مایرهورفر. ۱۳۸۵. ص ۳۶۱.

4. Varuna

5. York, "Mitra"

۶. دوشن-گیمن، "ایران و یونان در کوماژن". ص ۲۲۴.

7. Yasna, 46,5.

8. Mithra

9. Yasht 10-1-1.

نوعی یکتاپرستی مهری یا دستکم ریاست این ایزد بر ایزدکده ایرانی پیش و پس از زردشت قائل بود؟ پاسخ ساده‌ای که از متون زردشتی برمی‌آید خیر است. ولی آیا می‌توان به دین ایرانیان پیش از زردشت نزدیک شد؟ موله و بویس با دو دیدگاه متضاد در مورد تاریخی بودن زردشت، به "نظریه تداوم اندیشه‌های دینی ایرانیان پیش و پس از گاهان" باور دارند.^۱ بر پایه این نظر، زردشت با میترا به مبارزه یا انکار برخاسته و نیامدن نام او در گاهان تصادفی و بی‌اهمیت است.^۲ چه از اوستا و چه از وداها برای بازسازی ایزدکده ایرانیان پیش از زردشت کمک بگیریم، به یکتاپرستی یا حتی ریاست میترا بر ایزدکده زردشتی نمی‌رسیم. و چنانکه ریاستی وجود می‌داشته احتمالاً برای میترا نبوده است. کِرینبروک پیشنهاد کرده که خیزش زردشت و زردشتیان واکنشی به فرقه هندوآریایی ایندرا بوده است.^۳

۳- میترا در دوره هخامنشی:

در سنگ‌نوشته‌های متاخر هخامنشی که هنوز اختلاف بر سر زردشتی بودن یا نبودن آنان - فارغ از اینکه تعریف زردشتی چیست؟- حل نشده، نیز تنها در زمان پادشاهان پایانی (اردشیر دوم و سوم) از میترا یا در کنار اهورامزدا و آناهیتا و یا در کنار اهورامزدا نام برده شده است. توجه به این نکته مهم است که اگر ترتیب ذکر نامها مهم باشد، در سنگ‌نوشته اردشیر دوم، میترا نه دوم که پس از آناهیتا جایگاه سوم را دارد. گزارشهای دیگر هم از برپایی تندیس آناهیتا/افرودیت/ایشتر (و نه میترا) در دوره متاخر هخامنشی یاد می‌کنند.^۴ یافته‌های باستان‌شناسی ایران معابد آناهیدی را نشان می‌دهند و نه مهری.^۵ وجود یک فرقه یا دین آناهیدی در ایران محتمل‌تر است تا دین مهری. ولی چرا همه به دنبال مورد دوم می‌گردند؟ دلیل آن احتمالاً چیزی نیست جز وجود فرقه میترایبی رومی.

این اغراق در برجسته‌سازی بیش از اندازه پرستش میترا به برخی از پژوهش‌های میترایبی روم نیز برمی‌گردد که بحث‌های خود را بر این مفروض اثبات‌نشده^۶ همراه می‌سازند که پیروان میترا در روم

1. Boyce, "On Mithra's Part in Zoroastrianism", p. 11.

2. Ibid, p. 14-15.

3. Kreyenbroeck, "Mithra and Ahreman, Binyamin and Malak Tawus: traces of an ancient myth in the cosmogonies of two modern sects", p. 64.

۴. کلمنت اسکندریه از بروسوس نقل می‌کند. بنگرید به برن، "ایران و یونانیان"، ص ۴۰۵.

۵. فرای، "میترا در باستان‌شناسی ایران"، ص ۲۴۷.

6. Boyce, "On Mithra's Part in Zoroastrianism", p. 16-17.

خدایان قومی دیگر را طرد کرده بودند، در نتیجه گمان می‌کنند که میترایسم رومی یک دین مستقل است که می‌تواند جنبشی یکتاپرستانه هم خوانده شود.

تمرکز بر جایگاه احتمالی میترا در میان غیرزردشتیان ایرانی از اینجا ضرورت می‌یابد که فرق بزرگی وجود دارد میان «پرستش مهر» و «مهرپرستی» یا همان «دین مهر». مفهوم نخست، لزوماً به مفهوم دوم نمی‌انجامد. چه، پرستش مهر می‌تواند به موازات پرستش دیگر ایزدان وجود داشته باشد و اگر مهر مقام آفریدگار یا دستکم ریاست ایزدکده را نداشته باشد، هرچه قدر هم که بلندمرتبه و محبوب باشد، نمی‌توان نام او را بر دین یا مذهب آن مردمان گذارد. بنابر هرودوت، ایرانیان اصلاً معبد نداشتند و نیایش خدایان خود و اجرام آسمانی را به سادگی هرچه تمام‌تر زیر آسمان انجام می‌دادند.^۱ با این حال به مرور شواهد و گزارش‌هایی از آتشکده و معبد (البته برای آن‌هایتا و نه میترا) از اواخر دوره هخامنشی خودنمایی می‌کنند. بدین ترتیب، برخوردن به هر نامی از میترا در متون یا هر تصویری که به میترا مرتبط باشد، نه وجود مهرپرستی، که صرفاً پرستش مهر در چارچوبی بزرگتر (دین زردشتی، دین ایرانی، دین ودایی) را ثابت می‌کند و مدرکی برای دین مستقل مهری نخواهد بود.^۲

بیوار تلاش کرده دین مهری را به عنوان یک مذهب در ایران دوره ماد و هخامنشی بر اساس یافته‌های باستانشناختی ردیابی کند. با این حال نویسنده هم تصریح می‌کند که جدا از نبودن متن، چیز خاصی از فرهنگ مادی مادها هم بدست نیامده است تا امکان چنین ردیابی را واقعاً فراهم کند.^۳ او به بررسی نقوشی از گودین‌تپه و تخت جمشید، همچنین مهرهای تخت جمشید و سکه‌ای از دوره فرترکه‌ها به موازات آثاری هنری از اورارتو تا ژاپن می‌پردازد که در آن مضمونی نزدیک به تائوروکتونی یا گاوکشی - که آنرا مهمترین عنصر هنر میترایستی رومی می‌دانیم - وجود دارد: مثلاً صحنه حمله شیر به گاو یا شکار بز کوهی.

محمدتقی عطایی هم در سفال‌های دیگری از تخت جمشید همچنین در سیلک «ب»، نقشمایه گاو (و نه گاوکشی) را یافته است.^۴ ولی جدا از عدم ارتباط کامل میان این آثار با دوره ماد، از نظر زیانشناسی هم وجود این ایزد در آثار آن دوره بر اساس منابع آشوری کاملاً رد شده است.^۵ اینکه این پژوهشگران، وارون

1. Herodotus, I, 131.

2. Boyce, "On Mithra's Part in Zoroastrianism", p. 16.

3. Bivar, "A Religion of the Ancient Medes".

۴. عطایی، "ردی از میترا در پارس هخامنشی: بررسی نقشمایه گاو بر تکه سفالی از تخت جمشید".

۵. بنگرید به مایرهورفر، "ریشه‌شناسی و کهن‌ترین شواهد نام میترا". ص ۳۶۶.

توصیه جدی ریچارد فرای،^۱ "میترایسم رومی همراه با گاوکشی‌اش" را معیار گرفته و برای یافتن دین مهری در ایران به دنبال تطبیق با آن عناصر می‌گردند، غم‌انگیز است. گاو نه تنها در میان هندوایرانیان که در میان بسیاری از اقوام دیگر هم یکی از مهمترین حیوانات و یکی از پرکاربردترین نمادهای رازآمیز بشری بوده است.

در میان نقوش ایرانی، تحریک‌آمیزترین نقش‌ها بی‌گمان همان صحنه بسیار دیده‌شده‌ی حمله شیر به گاو در تخت جمشید است. وجود مصرعی دقیقاً با مضمونی نزدیک در شاهنامه (چو خورشید زد پنجه بر پشت گاو) نشان از پیوستگی این سنت در فرهنگ ایران تا دوره اسلامی دارد. هم از پیوند میان شیر و میترا باخبریم و هم تناقضِ سلاخی شدن گاو با ایدئولوژی گاهانی را می‌دانیم. با این حال نه مهر، تعارضی با دین زردشتی دارد و نه خود زردشتیان در دوره‌های پس از زردشت دستکم در این مورد به "ایدئولوژی گاهانی" وفاداری تام نشان داده‌اند.^۲ باید تذکر داد که اگر نقش «حمله شیر به گاو» مهری بودن سازندگان تخت جمشید را محتمل سازد، نبرد پیروزمندانه شاه هخامنشی با شیر در همان تخت جمشید، آن احتمال را کاملاً می‌زداید.

اگر واقعا میترای ایرانی تا سده پنجم پ.م در غرب ایران مهم بود هرودوت^۳ به اشتباه او را یک ایزدبانو و برابر با افرودیته یونانی (یعنی خدای عشق) نمی‌دانست. در نتیجه برکشیده‌شدن میترا به سده چهارم پ.م در زمان اردشیر دوم عقب می‌افتد.

بر اساس اطلاعات ما از دوره هخامنشی - فارغ از اینکه خود خاندان فرمانروا را زردشتی بدانیم یا خیر - نه از مدارک بومی ایران و نه متون کلاسیک، گزارشی از وجود یک تعارض و دوگانگی مذهبی میان ایرانی‌زبانان (مثلاً به شکل دوگانه مزدایی و مهری) نداریم و از این رو پاسخ به این پرسش که آیا "دین مهری" در میان ایرانیان چه پیش از زردشت و چه پس از زردشت در غرب ایران وجود داشته یا خیر، بنابر احتیاط، منفی است.^۴

۴- میترا در دوره اشکانی - کوشانی: *تال جامع علوم انسانی*

۱. فرای، "میترا در باستان‌شناسی ایران".

2. Boyce, "Mihragan among the Iranian Zoroastrians," p. 106-18.

3. Herodotus, I, 131.

۴. نویسندگان یاد شده هم بنابر احتیاط علمی در پایان مقاله هم بدون هیچ‌گونه نتیجه‌گیری قطعی دوباره تأکید می‌ورزد که ما اطلاعاتی از دوره ماد نداریم تا بتوانیم چیزی را ثابت کنیم.

به نظر می‌رسد میترا در ایران به جایگاه یکی از بزرگترین ایزدان ارتقاء یافت و در عین از دست ندادن خویشکاری اصلی‌اش یعنی نگهبانی پیمان^۱ به خدای خورشید تبدیل شد. به وضوح از اوستا چه بخشهای کهن مهریشت و خورشیدیش و چه متاخرترین بخشها (مهرنیایش و خورشیدنیایش در خرده‌اوستا) برمی‌آید که میترا نه خود خورشید است و نه ایزد خورشید.^۲ هرچند با خورشید پیوند دارد. با این حال در غرب ایران، و احتمالاً در دوره هخامنشی (هرچند قطعیت آن به دوره اشکانی برمی‌گردد^۳)، زیر تاثیر فرهنگ میانرودانی، میترا برابر با شمس گرفته شده و با ایزد خورشید ترکیب شد.^۴ به نظر کمون دلیل نسبت دادن میترا به خورشید آن بود که شمس در عین خدای خورشید بودن، خدای عدالت بود.^۵ در دوره هلنیستی، همین میترای ایرانی در بلخ و سغد تثبیت شده^۶ و احتمالاً توسط سکاها به هند رفته^۷ تاثیر خود را در مناطق شمالی آن نشان می‌دهد.^۸ بنابر سامبا-پورانا^۹ و بهاویسیا-پورانا^{۱۰}، هجده نفر از طبقه مغان ساکدوییا^{۱۱} (احتمالاً سکستان) به هند مهاجرت کردند تا در قامت برهمن‌ها در خدمت خدای خورشیدی به نام میهیرا^{۱۲} باشند.^{۱۳} میهیرا واژه‌ای قرضی از ایرانی میانه دقیقاً معادل خورشید در

۱. برای بحث در مورد معنای دوستی یا قرارداد برای میترا در متون سنسکریت، بنگرید به پیتر اشمیت، "اسامی خاص با ریشه ایزد میترا". او نشان می‌دهد که پیمان و توافق برای معنای میترا برانده‌تر است تا دوستی.

۲. در مهریشت ۲۴:۹۶ می‌خوانیم مهر پیش از طلوع خورشید بر می‌آید و پس از غروب خورشید همچنان تماشاگر و ناظر پیمان‌ها است. کمون تاکید دارد که میترا، نه خورشید است، نه ماه، نه ستارگان. بلکه فراتر از همه اینها همیشه همه چیز را می‌بیند و می‌شنود و می‌داند.

3. Strabo, Geography, XV. 3. 13. Curtius Rufus, IV, 13 see Gershevitch, *Die Sonne das Beste*, p. 69.

70.

4. Shaked, "Mihir the Judge", p. 14.

5. Cumont, *The Mysteries of Mithra*, p. 10.

6. Grenet, "B r i y and the Mihir Ya t".

۷. هومباخ، "میترا در هندوستان و مغان هندویی"، ص ۲۸۱.

8. Callieri, "On the Diffusion of Mithra Images in Sasanian Iran New Evidence from a Seal in the British Museum", p. 9.

9. Samba-Pur a

10. *Bhavi ya-Purā a*

11. *kadv pa*

12. *Mihira*

13. Panaino, "The year of the Maga Br hmanas".

سنسکریت است.^۱ در ادامه در دوره کوشانی، میرو/هلیوس^۲ را می‌بینیم.^۳ که حضور آن در آثار کوشانی تا دوره ساسانی ادامه دارد. در پیوند این خدایان با میترا، تردیدی نیست. هرچند که در مذهب برهمایی، "سوریا" خدای خورشید است. جالب آنکه بنا بر متون سنسکریت، این خدا با ظاهری هماهنگ با پوشش آسیای مرکزی (که در پیوند مستقیم با ایران بود) توصیف شده است.^۴

در مورد ریشه‌های فرهنگ و هنر بلخ و هندوکش بحث‌هایی وجود دارد. مثلاً هنر قندهار متأثر از هنر باستانی روم بوده است.^۵ با اینحال در مجموع، در امپراتوری کوشانی، نفوذ ایران بیش از نفوذ غرب بود. در آنجا عنوان یونانی «بازیلئوس بازیلتون» - که برداشتی یونانی از «شاهنشاه» است - جای خود را به «رائونانورائو» داد که ترجمه مستقیم از لقب ایرانی است.^۶ ایزدکده کوشانی سی و سه ایزد داشت (برابر با سی و سه امشاسپند). البته اهورامزدا رئیس این ایزدکده نبود و ایزدانی محبوب‌تر از او هم وجود داشتند. با این‌همه شمار ایزدان غیرایرانی هم کم نبود.^۷ گمان بر این می‌رفت که شاید بَخِ سغدی همان میترا باشد. سغدیان نام ماه هفتم سال را بگ‌کانیک گذاشته بودند. که ما را به یاد بگیادی ماه هفتم هخامنشیان می‌اندازد و می‌دانیم که ایرانیان در ادامه این ماه را مهر نامیدند. ولی هنینگ بعداً نشان داد بَخِ سغدی، یک ایزد باروری بوده که در آن سرزمین از مهر محبوبیت بیشتری داشته است.^۸ نتیجه اینکه پرستش مهر در آسیای مرکزی و امپراتوری کوشان هم‌زمان با دوره اشکانی، صرفاً در قالب چندخدایی کهن ایرانی وجود داشت، که تأثیراتی از مزدپرستی و هلنیسم هم پذیرفته بود.

از پرکاربرد بودن نام مهرداد در دوره اشکانی^۹ (که آنهم منحصر به یک دوره ۲۰۰ ساله است) گاه نتیجه گرفته‌اند که میترا دستکم در شرق ایران ایزد برتر بوده و اشکانیان یا پارتها مهرپرست بوده‌اند.^{۱۰} توجه نشده

۱. هومباخ، همانجا، ص ۲۷۱. توجه شود که در سنسکریت ۱۲ واژه برای اشاره به خورشید وجود دارد.

2. Miros/Helios

3. Callieri, p. 91.

4. *B hat-Samhitā* 58, 46-48.

۵. مک‌داول، "جایگاه کیهانی میترا در سکه‌های کوشان‌های بزرگ." ص ۳۴۸.

۶. همو، ص ۳۴۹-۳۵۰.

۷. همو، ص ۳۵۱.

8. Hening, "A Sogdian God", pp. 242-245.

۹. دقت نشده که نام‌هایی چون میتراداتیس (مهرداد) در میان میترایست‌های رومی اتفاقاً دیده نمی‌شود. بسکوف، "راه‌های مهرپرستی آغازین." ص ۳۴ درست مانند نام زردشت در میان زردشتیان.

10. Pourshariati, *Decline and Fall of the Sasanian Empire*. pp. 88-103

که نامهای مشتق شده از مهر (میترا) در دوره هخامنشی در غرب ایران هم پر کاربرد است.^۱ و چون مزدپرست بودن هخامنشیان تقریباً مسجل است، این گونه استنتاج‌ها ره به جایی نخواهد برد.^۲ پس نمی‌توان به یک دوگانه‌ی غربِ مزدایی و شرقِ میترای اندیشید. برخی بر این باورند که اتفاقاً این غرب ایران است که در دوره‌های پیش از هخامنشیان واجد اندیشه‌های غیرزردشتی و شاید غیرمزدایی آریایی نخستین بوده، و شرق ایران اتفاقاً خیلی زودتر زردشتی شده بود.^۳

خطابه‌ی تیرداد، نخستین شاه اشکانی ارمنستان در دربارِ نرون، امپراتور روم که «ای خداوندگار من، به نزد تو آمده‌ام تا تو را همانند میترا پیرستم.»^۴ را نمی‌توان ناشی از مهرپرست بودن اشکانیان گرفت. چون ظاهراً او چنین ادامه می‌دهد: «پس تو برای من پاره (خواهر سرنوشت) و فورتونا (ایزدبانوی خوشبختی) هستی.»^۵ تحلیل محتوای این آثار نشان می‌دهد، روایت، کاملاً الگوی رومی زمان خود را پذیرفته است. باید دقت کرد که میترا در زمانی که این آثار تالیف شده، (پلینی و پلوتارک و دیوکاسیوس) یک ایزد شناخته شده‌ی رومی بود. پس پربراه نیست که اشاره به میترا در این روایات را عنصری متاخر و وارداتی و نه اصیل طبگیریم. نظر دیگر بر این است که اگر این روایات دقیق باشند، منظور تیرداد، پرستش مهر نه به عنوان خدای برتر که به عنوان خدای عهد و پیمان است. چون زردشتیان برای پیمان بستن به مهر سوگند می‌خوردند و نه به مزدا.^۶ به روایت پلینی، تیرداد با خود مغبهایی آورده بود که نرون را در ضیافت مقدس به کیشِ مغان تشریف داد. تقریباً روشن است که آیین میترا زودتر از دوره هادریانوس (۱۳۸-۱۱۷ م) و آنتونیوس پیوس (۱۶۱-۱۳۸ م) به ایتالیا نرسیده بود.^۷ پس قطعاً ترویج میتراپرستی به بازدید تیرداد از رم به سال ۶۶ میلادی بر نمی‌گردد. به هر حال تاسیتوس در گزارش ضیافت رسمی نرون و تیرداد، سخنی از ایزد میترا نمی‌گوید.^۸

۱. برای نامهای ترکیبی مشتق از میترا در منابع ایلامی تخت جمشید، یونانی، فارسی باستان بنگرید به اشمیت، "اسامی خاص با ریشه ایزد میترا"، ص ۴۵۶ به بعد.

2. Cereti, "Response to Richard Foltz, Religions of Iran: Pool Theory as a Non-normative Approach". p. 3.

3. Kreyenbroeck, p. 76.

4. Dio, LXIII, 1-7.

5. Pliny, XXX, 6,17.

۶. دریایی، "A Contribution on Mithra's Role in the Armenian, Iranian and the Roman", Wold, ص ۹۸.

۷. بنگرید به یامائوچی، "میتراپرستی، طریقت‌های گنوسی پیش از مسیحیت و رساله مکاشفه آدم"، ص ۶۱۳-۶۱۴.

8. Tacitus, ann, XV,28.

و از همه مهم‌تر زردشتی بودن برادر این تیرداد یعنی بلاش یکم شاهنشاه اشکانی، تقریباً مسجل است. و خود تیرداد را هم به دلیل پرهیز از سفر دریایی (که اصلاً متناسب با دریانوردان میترائیست کلیکیه که پلوتارک به آنان پرداخت، نیست) یک زردشتی متعصب می‌دانند.^۱ جدا از روایت‌های ایرانی که اشکانیان، به‌ویژه بلاش را زردشتی دانسته‌اند،^۲ امری بویس آنان را حتی زردشتی‌تر از ساسانیان می‌دانست.^۳ ارمنستان دوره ساسانی را میراث نسبتاً دست‌نخورده‌ای از دوره اشکانی می‌دانیم. در اهمیت میترا در ارمنستان حتی در دوره مسیحیت، تردیدی نیست و بسیار درباره آن گفته‌اند.^۴ ولی شاید نسبت دادن ارمنستان باستان به مهرپرستی بدون اغراق هم نبوده‌باشد. به تصریح آگاتانگوس که نخستین تاریخ‌نگار ارمنی در صدر پذیرش مسیحیت در آن سرزمین است خدایان بزرگی که نگهبان خاک ارمنستان‌اند عبارتند از آرمازد، آناهیت و واهگن.^۵ سه‌گانه مقدس ارمنستان برخلاف ایران که شامل مزدا، آناهید و مهر بود، شامل «مهر» نشده و به جایش بهرام (واهاگن) را در بر داشت.^۶



۱. بویس، زردشتیان: باورها و آداب دینی آنها، ص ۱۱۳.
۲. بنگرید به بندهش، زند بهمن یشت، نامه تسر، التنبیه والاشراف.
۳. بویس، "جشن‌های ایرانی"، ص ۲۲۱.
۴. برای داستانهای مرتبط با مهر در ارمنستان مسیحی بنگرید به مرکلباخ. ، میترا؛ آیین و تاریخ، ص ۲۹۴-۳۰۳ همچنین بویل، "مهرپرستی در نیروی دریایی قیصریه". .
۵. آگاتانگوس، ص ۶۶.
6. Russel, "Magic Mountains, Milky Seas, Dragon Slayers, and Other Zoroastrian Archetypes", p. 59.



(شکل ۱ - مادر ارمنستان در ایروان)

راسل از فرقه واهانگن در ارمنستان می‌گوید که آزارات برای شان چیزی معادل صیهون یهودیان بود.^۱ معبد بهرام در آشتیشات^۲ در تارون^۳ روی تپه‌های بالای موش^۴، در ۵۰ کیلومتری وان. مهمترین معبد ارمنستان پیشامسیحی بود. ریشه‌ی سرودهایی که برای ایزد بهرام ارمنی می‌خواندند به سنت‌های ودایی ایندرا برمی‌گشت.^۵ ارمنی‌ها گروه کاملی از معابد در جنگل مقدس آشتیشات داشتند که در آنجا تندیس بزرگی

1. Russel, "The Four Elements and the Cross in Armenian Spirituality, with an Excursus on the Descent in Merkavah Mysticism", p. 376.

2. (Y)Astisat

3. Taron

4. Mu

5. Russel, "Magic Mountains, Milky Seas, Dragon Slayers, and Other Zoroastrian Archetypes", p. 58.

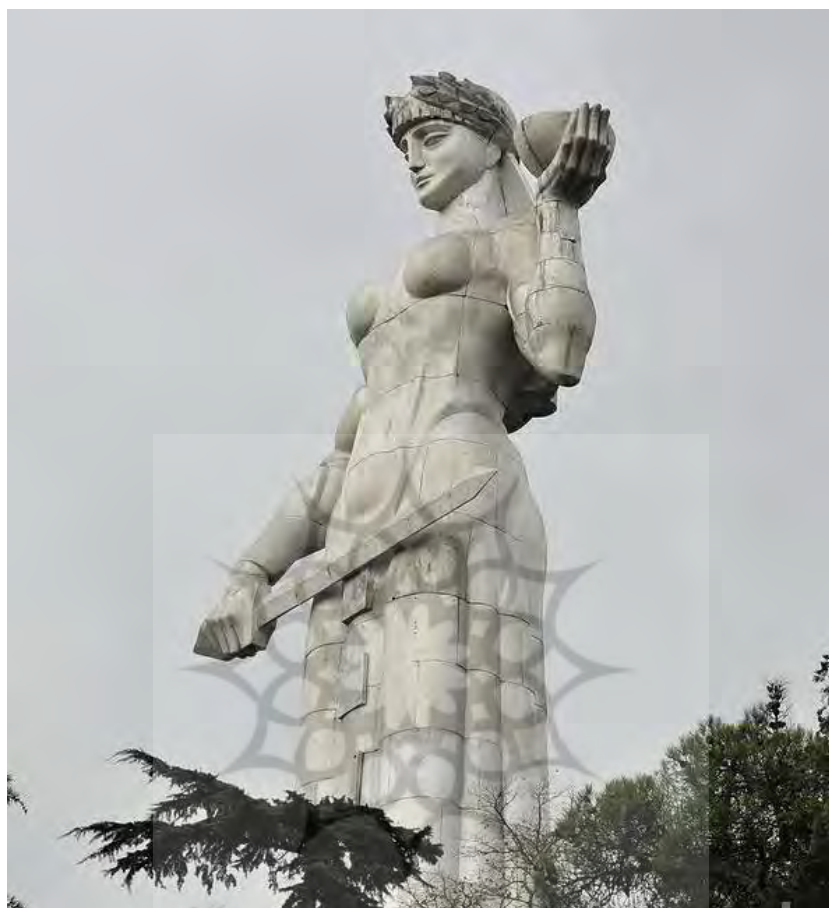
از آناهیتا که نگهبان و پشتیبان ارمنستان بود وجود داشت. آنان پدر آناهیت را آرمازد می‌دانستند.^۱ آیا تندیس‌های بزرگ مادر ارمنستان در ایروان و مادر گرجستان در تفلیس (هر دو شمشیر به‌دست)، نمونه‌های مدرن آناهیتا در قفقاز نیستند؟ البته که سازنده و پشتیبان‌های این آثار در دوره کمونیستی شوروی امکان اشاره به جنبه ایزدی آنها نداشته و آنها را در یک بستر کاملاً سکولار و زمینی ارائه کردند. و پس از آن هم گرایش چندانی در این کشورها برای تطبیق آنها با آناهیتای ایرانی نیست. از آنجا که «ایزدبانوی جنگاور» که نگهبان شهر باشد در جهان یونانی کاملاً رایج بود (آتای نیزه‌دار، آرتمیس کماندار)، و در جهان ایرانی هم بنابر اوستا، آناهیتا یک جنگ‌سالار تمام‌عیار است، با توجه به نبود یک نمونه‌ی بومی قفقازی، و اهمیت آناهیت مادر در آن سرزمین،^۲ یک ایزدبانوی جنگاور ارمنی یا گرجی - که بازتاب مدرن آنها مادر ارمنستان / مادر گرجستان امروزی است - نمی‌تواند بی‌ارتباط با آناهیتا باشد.^۳



۱. آگاتانگوس، ص ۴۲؛ ص ۴۷

۲. همان، ص ۶۲۸.

۳. توجه کنیم که آناهیت یک نام همچنان مرسوم در ارمنستان معاصر است. همان.



(شکل ۲- مادر گرجستان در تفلیس با کاسه‌ای آب در دست که کاملاً با آن‌هایتا تطبیق می‌کند)

به گمانِ راسل حماسه‌های مهری در ارمنستان زیر تاثیر جهان‌بینی زردشتی و مرکب از عناصر مزدایی‌اند.^۱ نبرد شاه افسانه‌ای ارمنی تیگران - شخصی که در کورش‌نامه‌ی کسنفون دوست کورش است - با اژدهاک، و اهمیت آرامازد، واهگن، آن‌هایت و سپاندارامت ارمنستان‌شناس آمریکایی را بر آن

1. Russel, Idem, pp. 57-77.

می‌دارد که ارمنستان را در دوره اشکانی، زردشتی بدانند.^۱ هرچند نظر راسل که ارمنی‌ها قبل از مسیحی شدن جزو ایرانیان به شمار آمده و بعداً انیرانی شدند را نتوان پذیرفت.^۲ نکته دیگر توجه به طرح کلیسای گنبددار چلیپایی ارمنستان و گرجستان است، که آن‌را برآمده از آتشکده‌های زردشتی می‌دانند.^۳

برخلاف سده نوزدهم، امروز می‌دانیم که ارمنی، نه یک زبان ایرانی و نه حتی هندوایرانی، بلکه صرفاً هندواروپایی است. با این حال اینکه در ارمنستان پیش از مسیحی شدن، دیو معنایی منفی و حالتی ترسناک برای مردم داشت، مار اهریمنی بود و مفاهیم دروغ، جادو و پری همان بُعد تاریک اوستایی را می‌داشتند،^۴ کافی است تا آنها را کاملاً متأثر از دین زردشتی ایرانی بدانیم.

۵- نتیجه:

بر پایه این پژوهش به نظر می‌رسد، میترا در زمان ظهور زردشت، احتمالاً یکی از ایزدان مهم و بزرگ در ایزدکده ایرانیان بود ولی شواهدی که میترا را رئیس و خدای برتر این ایزدکده نشان دهد وجود ندارد. به نظر می‌رسد نقش میترا در میان ایرانیان بود که پررنگ شده و اتفاقاً پس از زردشت در میان مزداپرستان به عنوان یک خدای توانمند نگهبان عهد و پیمان، در بالاترین جایگاه، یکی مانده به اهورامزدا جای گرفت و هم‌زمان خویش‌کاری‌های خدای خورشید نیز از زمانی به بعد، به او محول شد. یعنی میترا در بستر زردشتی رشد کرد و نه افول. با این همه بنا بر شواهد و مدارکی که در این پژوهش سنجیده شد، میترا نه در شرق و نه در غرب ایران در دوره‌های هخامنشی تا اشکانی دارای دین یا فرقه‌ای اختصاصی نبود و گمانه‌زنی‌ها و تلاش‌های برای یافتن آن صرفاً بر اساس شکل‌گیری آیین میترا در روم است که در سده‌های دوم تا چهارم در امپراتوری درخشش داشته است. تقریباً روشن است که بیشینه مردم ایران از دوره هخامنشی تا پیش از ساسانیان مزداپرست بودند و تلاش برای یافتن دین مهر حتی در سرزمین‌های پیرامونی چون کوشان و ارمنستان هم ره به جایی نمی‌برد. پژوهش درباره چیستی و چگونگی پرستش

1. Ibid, p. 59.

۲. کردیر در 18, KSM, که چندی پیش از مسیحی شدن ارمنستان نوشته شده، ارمنستان را جزو انبران‌شهر دانسته و این مسئله ناشی از تقسیمات جغرافیایی سیاسی ساسانیان نخستین است، و پیوندی به بحث مسیحی شدن ندارد.

۳. لنگ، همانجا، ص ۶۴۴.

۴. همان، ص ۶۴۷-۶۴۸.

مهر در اواخر دوره اشکانی که آیین میترا در روم به اوج خود رسید و سپس در دوره ساسانی و ردیابی نشانه‌های باورهای مهری در دوره اسلامی به پژوهش مستقل دیگری نیازمند است.

منابع و مأخذ:

- آگاتا‌نگوس. *تاریخ ارمنیان*. ترجمه گارون سارکسیان. نائیری. ۱۳۸۰.
- اشمیت، رودریگر. «اسامی خاص با ریشه ایزد میترا». در *دین مهر در جهان باستان*. (مجموعه گزارش‌های دومین کنگره بین‌المللی مهرشناسی). ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. توس. ۱۳۸۵.
- اولانسی. دیوید. *پژوهشی نو در میتراپرستی*. ترجمه مریم امینی. چشمه. ۱۳۸۵.
- برن، ا.آر. «ایران و یونانیان». در *تاریخ ایران کمبریج*. جلد ۲. بخش ۱. ویراستار ویلیام گرشویچ. ترجمه تیمور قادری. مهتاب. ۱۳۸۷.
- بسکوف، پر. «راه‌های مهرپرستی آغازین». در *دین مهر در جهان باستان*. (مجموعه گزارش‌های دومین کنگره بین‌المللی مهرشناسی). ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. توس. ۱۳۸۵.
- بویس، مری. "جشن‌های ایرانی" در *تاریخ ایران کمبریج*. ترجمه حسن انوشه. امیرکبیر. ۱۳۹۳.
- بویس، مری. *زردشتیان: باورها و آداب دینی آنها*. ترجمه عسکر بهرامی. ققنوس. ۱۳۸۶.
- بویل، رابرت. «مهرپرستی در نیروی دریایی قیصریه». در *دین مهر در جهان باستان*. (مجموعه گزارش‌های دومین کنگره بین‌المللی مهرشناسی). ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. توس. ۱۳۸۵.
- پتر اشمیت، هانس. «مساله اصلی مطالعات میترای هندوایرانی». در *دین مهر در جهان باستان*. (مجموعه گزارش‌های دومین کنگره بین‌المللی مهرشناسی). ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. توس. ۱۳۸۵.
- پورشریعتی، پروانه. «مهرپرستی و ساختارهای اجتماعی و آرمانی عیاری در حماسه سمک عیار». *ایران‌نامه*. ۲۹. ۲. تابستان ۲۰۱۴.
- دریایی. تورج. *A Contribution on Mithra's Role in the Armenian, Iranian and the Roman World* "در تا به خورشید به پرواز برم: یادنامه دکتر حمید محامدی". به‌اهتمام: کتابون مزداپور و هایدی معیری. کتاب روشن. ۱۳۸۹.

- دوشن-گیمن، ژاک. «ایران و یونان در کوماژن»، در *دین مهر در جهان باستان*. (مجموعه گزارش‌های دومین کنگره بین‌المللی مهرشناسی). ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. توس. ۱۳۸۵.
- عطایی، محمدتقی. «ردی از میترا در پارس هخامنشی: بررسی نقشمایه گاو بر تکه سفالی از تخت جمشید». *فصل‌نامهٔ باستان‌پژوهی*. سال سوم. شماره ۶. ۱۳۸۹.
- فرای، ریچارد. «میترا در باستان‌شناسی ایران». در *دین مهر در جهان باستان*. (مجموعه گزارش‌های دومین کنگره بین‌المللی مهرشناسی). ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. توس. ۱۳۸۵.
- لنگ، دیوید. «ایران، ارمنستان و گرجستان». در *تاریخ ایران کمبریج*. جلد ۳. بخش ۱. ویراستار احسان یارشاطر. ترجمه حسن انوشه. امیرکبیر. ۱۳۹۳.
- مایرهوفر، ماینفرد. «ریشه‌شناسی و کهن‌ترین شواهد نام میترا». در *دین مهر در جهان باستان*. (مجموعه گزارش‌های دومین کنگره بین‌المللی مهرشناسی). ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. توس. ۱۳۸۵.
- مرکلباخ، راینهولد. *میترا؛ آیین و تاریخ*. ترجمه توفیق گلی‌زاده. با همکاری ملیحه کرباسیان. اختران. ۱۳۸۷.
- مک‌داول، دیوید. «جایگاه کیهانی میترا در سکه‌های کوشان‌های بزرگ». در *دین مهر در جهان باستان*. (مجموعه گزارش‌های دومین کنگره بین‌المللی مهرشناسی). ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. توس. ۱۳۸۵.
- هومباخ، هلموت. «میترا در هندوستان و مغان هندویی». در *دین مهر در جهان باستان*. (مجموعه گزارش‌های دومین کنگره بین‌المللی مهرشناسی). ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. توس. ۱۳۸۵.
- ویدن‌گرن، گئو. *دین‌های ایران باستان*. ترجمه مه‌ری باقری. قطره. ۱۳۷۷.
- یامائوچی، ادوین. م. «میتراپرستی، طریقت‌های گنوسی پیش از مسیحیت و رساله مکاشفه آدم». در *دین مهر در جهان باستان*. (مجموعه گزارش‌های دومین کنگره بین‌المللی مهرشناسی). ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. توس. ۱۳۸۵.
- Beck, Roger. "The mysteries of mithras: A new account of their genesis". *The Journal of Roman Studies*, Vol. 88 (1998), pp. 115-128. 1984.

- Bivar, A.D.H. "A Religion of the Ancient Medes". *Iranica Antiqua*. Vol XL. 2005.
- Boyce, Mary. "Mihragan among the Iranian Zoroastrians," in J. R. Hinnells, ed., *Mithraic Studies*, vol. 1 [Manchester,], 106-18). 1975.
- Boyce, Mary. "On Mithra's Part in Zoroastrianism". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, University of London, Vol. 32, No. 1 (1969), pp. 10-34. 1969.
- Callieri, Pierfrancesco. "On the Diffusion of Mithra Images in Sasanian Iran New Evidence from a Seal in the British Museum". *East and West*, Vol. 40, No. 1/4 (December 1990), pp. 79-98. 1990.
- Cereti, Carlo. "Response to Richard Foltz, Religions of Iran: Pool Theory as a Non-normative Approach" available at <https://divinity.uchicago.edu>.
- Cumont, Franz. *The Mysteries of Mithra. London: The Open Court*. 1903.
- Foltz, Richard. *Religions of Iran from prehistory to the present*. London: Oneworld. 2013.
- Grenet, Frantz. "B miy nand the Mihr Ya t". Bulletin of the Asia Institute, New Series, Vol. 7, *Iranian Studies in Honor of A. D.H. Bivar* (1993), pp. 87-94. 1993.
- Henning, W.B. "A Sogdian God". *BSO(A)S*. No28, 1965b. 1965.
- Herodotus. *The History*. David Grene(Translator).University of Chicago Press. 1988.
- Kreyenbroeck, P.G."Mithra and Ahreman, Binyamin and Malak Tawus: traces of an ancient myth in the cosmogonies of two modern sects", in: Ph. Gignoux (ed.), *Recurrent Patterns in Iranian Religions; from Mazdaism to Sufism*. Proceedings of the Round Table Held at Bamberg, 30th Sept. - 4th Oct. 1991. Series: Cahiers de Studia Iranica. 1992.
- Panaino, A. "The year of the Maga Br manas," in *La Persia e l'Asia Centrale da Alessandro al X secolo*, Rome, 1996, pp. 569-87. 1996.
- Russel, James. "Magic Mountains, Milky Seas, Dragon Slayers, and Other Zoroastrian Archetypes". *Bulletin of the Asia Institute*, New Series, Vol. 22, Zoroastrianism and Mary Boycewith Other Studies (2008), pp. 57-77. 2008.
- Russel, James. "The Four Elements and the Cross in Armenian Spirituality, with an Excursus on the Descent in Merkavah Mysticism". *Jewish Studies Quarterly*, Vol. 4, No. 4 (1997), pp. 357-379. 1997.
- Shaked, Shaul. "Mihr the Judge". *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, II, 15. 1980.
- Strabo. *Geography*. Horace Leonard Jones(translated). Harvard University Press; Vol. 3, Books 6-7 edition. 1924.

- York, Michael. "Mitra", in Encyclopedia of Hinduism, Routledge, 2005.

